

رفراندم - آری یا نه؟

مدتی است که سخن از رفراندم است و "رفراندم، رفراندم، اینست شعار مردم" همواره در اجتماعات بگوش میرسد. حتی شعر و آهنگ هائی هم برای رفراندم ساخته‌اند.

اگر چه این شعار به ظاهر یک خواسته آزادی خواهانه به نظر میرسد ولی در شرایط حاد کنونی و تا پس از سرنگونی رژیم غاصب و اشغالگر ولایت فقیه و جمهوری اسلامی‌اش، بمانند بشکه باروتی خواهد بود که هرآن احتمال انفجارش می‌رود و مطمئناً نتیجه‌ای مرگبار برای ملت و کشور ما به همراه خواهد داشت.

همانگونه که در سال ۱۳۵۷ ظاهراً رفراندمی صورت گرفت و نتیجه مخرب و ویرانگر آنرا دیدیم، اینبار هم این رفراندم نتیجه‌ای بهتر نخواهد داشت، چون قانون طبیعت است که در شرایطی ملتهب و تب‌آلود، مغز و منطق همواره جای خود را به هیجان و احساسات میدهد و در آن حالت است که بدترین تصمیم‌ها گرفته میشود. حتی اگر این رفراندم برای انتخاب خدا در برابر اهریمن باشد و حتی اگر خدا را هم انتخاب کنیم، باز هم او را به دلیل غلط انتخاب کرده‌ایم.

امروز قبل از اینکه صحبت از رفراندم کنیم که ظاهراً سؤال آنست که چه نوع رژیمی را میخواهیم و یا چه کسی را میخواهیم، بایستی قبل از هرچیز یک سری حقایق منطقی را در نظر بگیریم.

بنا بر مثل معروف که میگوید اول باید چاه را کند و بعد منار را دزدید، بطور ساده اول باید منطق را مستقر کرد و آنگاه نظرخواهی نمود.

امروز با نگاهی به جامعه ایرانی، چه در درون و چه برون از ایران، مشاهده میشود که به گفته عامیانه: آب گل آلود است. این گل آلودگی آب در جامعه ایرانی همان چیزی است که دشمنان میهن در پی آن بوده‌اند و هستند و ما هم آگاهانه و یا ناخودآگاه به این روند کمک کرده و همواره به آن کمک میکنیم.

امروزه در مقابل فعالیتهای مستمر و مؤثر دشمنان خارجی و مزدوران خانه زاد، ملت ایران متحیر و مبهوت تنها بصورت نظاره‌گران گوسفند مآبی شده‌اند که هر آن به زیر تیغ سلاح می‌روند و باز هم بی اراده گردن به حکومت جلادان خود میسپارند. این بهت زدگی مرگبار تنها از سردرگمی ملت ایران سرچشمه گرفته و ما بصورت کشتی نشستگانی در آمده‌ایم که در کشاکش طوفانی مهیب سکانداری نیست تا این کشتی را به ساحل نجات هدایت کند.

سخن از فراندم در شرایطی که هر روز دست و پا میبرند و از جراثقالها مردم را به اتهامات واهی آویزان میکنند و یا دعوت مردم به نافرمانی مدنی در شرایطی که دیگر مدنیته در ایران و برای ملت ایران باقی نمانده مطمئناً راه حلی نیست تا بشود به آن دل بست و به آزادی رسید.

چگونه باید از این وضعیت رقت بار و شوم رها شویم و بار دیگر به اجتماع مردمان متمدن باز گردیم؟

چگونه باید میهن را نجات داد تا قبل از اینکه بیش از این خاکش را به توبره نکشیده‌اند و دریاهایش به دیگران تحویل نداده‌اند؟

برای رسیدن به یک راه حل منطقی در هر شرایطی، مهم آنست که داده‌های موجود را بسنجیم و با توجه به قابلیت‌های خود راه حل را بیابیم.

اگر چنانچه قدری به موارد زیر فکر کنیم و با تعمق به آن نگاه کنیم، شاید راه حل بهتری را بیابیم.

مشاهدات:

۱- ملت ایران از هر جهت پلاریزه شده. یعنی بنابر خواست دشمنان میهن، پس از جنگ جهانی دوم، ملت ایران را با تزریق انواع ایدئولوژیهای غربی و مسلکی و مذهبی از ناسیونالیسم و ملی‌گرائی دور کردند، تا جائی که امروز به جای ملت ایران، ما شاهد وجود خلقها و امتهائی هستیم که تماماً در فکر به کرسی نشاندن عقاید و ایدئولوژیهای سیاسی و مسلکی خود هستند نه آزادی و اعتلای میهن نکبت زده‌ما.

۲- شعار "فقط اتحاد" با تمام زیباییش فقط یک شعار است و فقط یک رویا و آرزوی زیبا. تا زمانی که افراد و نیروهای وابسته به عوامل خارجی سعی در اعمال افکار ایدئولوژیکی سیاسی و مسلکی خود را دارند، این شعار "فقط اتحاد" به هیچگونه‌ای نه تنها موجب اتحاد آحاد ملت ایران نخواهد گردید، بلکه بدون شک در دراز مدت موجب دل‌سردی، دل‌افسردگی، و پراکندگی نیروهای میهنپرست خواهد شد.

۳- دعوت مردم به نافرمانی مدنی هم کاربردی تا کنون بیش از حدود شعار "فقط اتحاد" نداشته، زیرا همانگونه که در بالا اشاره شد، چگونه میشود از چیزی نافرمانی کرد که اصلاً وجود خارجی ندارد. در جامعه مدنی، قانون و احترام به قانون وجود دارد. در جامعه مدنی، مردم از حقوق مدنی برخوردارند. در جامعه مدنی، مردم حق اعتراض دارند. در جامعه مدنی، مردم صاحب شغل و کارند. در جامعه مدنی، دختران نوجوان ناچار نیستند که خودفروشی کنند تا خانواده‌شان را از گرسنگی نجات دهند. در جامعه مدنی بسیار چیزها هست که در ایران امروز حتی دیگر کسی آنها را در خواب هم نمی‌بیند. پس بهتر است قدری واقع بینانه‌تر به موقعیت ملت ایران نگاه کنیم.

پس راه حل چیست؟

۱- به جای تکیه بر نیروی گروه‌ها و گروهکهای سیاسی و مسلکی و مذهبی و امید داشتن به اتحاد آنها با یکدیگر و با میهن پرستان ایران، بهتر آنست که محوری ایجاد شود تا ملت میهن پرست ایران بدور آن گرد آید و با تبعیت از یک استراتژی مشترک به پیروزی نهائی برسد. نباید از نظر دور داشت که کشور ما امروزه کشوری است اشغال شده و تحت تسلط رژیم ناپایدار و بیگانه با باورهای ملی و سنتی ایرانیان. با نگاهی به قوه قضائی آن که در اختیار معاودین عراقی است و نیروی سرکوبگر آن که مرکب از چریکهای مزدور است که از فلسطین و لبنان و سوریه و سودان و افغانستان طالبانی تشکیل شده است که جای چریکهای مارکسیست اسلامی تعلیم دیده در دبی و سوریه و لبنان و لیبی و اردن را که امروزه مزدوران عراقی شده‌اند گرفته‌اند. پس تأکید بر همبستگی بدور محور فرهنگ ایرانی است نه عقاید و اعتقادات سیاسی و مذهبی و مسلکی، که در ایران همه باید اول ایرانی باشند و تنها هدف آزادی و اعتلای ایران. همانگونه که در جنبش مشروطه خواهی، ملت ایران فرای اعتقادات مذهبی و عقاید سیاسی از چهارگوشه میهن بیکدیگر پیوستند و خواستار عدالتخانه و آزادیهای اجتماعی شدند. پس امروز هم خواسته ملت ایران همان است و وحدت و همبستگی به جز برپایه فرهنگ ایرانی امکان پذیر نیست.

۲- با توجه به اصل اول و در نتیجه کلیه نمادهای این رژیم غاصب و اشغالگر از نظر نیروهای مبارز ملت ایران مردود و فاقد مشروعیت است، پس قانون اساسی ولایت فقیه و جمهوری اسلامی اش از درجه اعتبار ساقط است و کلیه نهادهای کشوری و لشگری اش و هرگونه قوانین جزائی و جنائی که توسط این رژیم به مورد اجرا گذارده شده مردود میباشد.

۳- با توجه به مردودیت قانونی رژیم اشغالگر و بنا بر عنف جوامع متمدن و با توجه به اصل عطف به ما سبق در قوانین، بالنتیجه، تنها سند قانونی موجود قابل رجوع که از تصویب نمایندگان ملت ایران گذشته است و تنها سند قانونی است که بدون اجازه ملت ایران، توسط نمایندگان منتخب خود در مجلسین شورای ملی و سنا، نمیشود آنرا ملغی و یا تغییر داد همانا **قانون اساسی مشروطیت است** که احترام و اطاعت از آن بر کلیه آحاد ملت، چه شاه و چه گدا، نه تنها ضروریست بلکه الزامی است، تا آن روزی کن دوباره انتخابات برای تعیین نمایندگان ملت ایران صورت پذیرد و آنگاه بنا بر خواسته ملت ایران هرگونه تغییر یا اصلاحی اگر لازم باشد توسط مجلس مؤسسان صورت پذیرد و سپس هرگونی تغییرات با رای نهائی ملت به تصویب برسد. پس به جای شعار دادن برای رفراندم، منطقی و عاقلانه آنست که کوشش کنیم تا پس از براندازی رژیم اشغالگر حاضر (راههای مبارزه براندازی بصورت جداگانه بررسی خواهد شد)، مجلس شورای ملی با الهام از قانون اساسی مشروطیت برقرار گردد.

۵- پس از انتخاب نمایندگان مردم و تشکیل مجلس شورای ملی، بر طبق قانون اساسی مشروطیت، آنگاه نمایندگان مردم دو وظیفه مهم را انجام خواهند داد:

الف - انتخاب فردی بعنوان رئیس دولت موقت (نخست وزیر موقت) برای ایجاد انتظام در جامعه و اداره مملکت در دوره گذر.

ب - انتخاب مجلس مؤسسان برای اصلاح قانون اساسی و بازنویسی قانون اساسی ایران در چهارچوب آداب و سنن و فرهنگ ایرانی با احترام به حقوق انسانی فرد فرد ملت ایران و حفظ تمامیت ارضی ایران و وحدت ملی.

در آن زمان است که ملت ایران با رجوع به قوه درک و درایت خود میتواند گام در مسیری گذارد که آینده‌ای درخشان را برایش به ارمغان خواهد آورد.